



# زنان عاشورایی

گردآوری و تنظیم:

فرخنده کرناسی دزفولی

# زنان کمک کننده به قیام امام حسین (ع) قبل از واقعه عاشورا



# ماریه بنت منقذ

"ماریه" دختر منقذ معروف به عبدیه بصریه «یکی از زنان با اخلاص و شیعه بصره بود که نامش در لیست زنان کربلایی و کمک کننده به قیام حسینی ثبت و در تاریخ ماندگار شد. "ماریه" منزل خود را محل تجمع دوست داران اهل بیت (ع) قرار داده بود، خانه او مرکز اجتماع یاران امام حسین(ع) و شکل گیری حرکت های شیعیان و مذاکرات آنان بوده است. طبری از ابو مخنف نقل می کند: شیعیان در خانه زنی از عبدالقیس، که به او ماریه دختر «سعد» با «منقذ» می گفتند، جمع می شدند و به گفت و شنود، نقل حدیث، بررسی مسائل سیاسی و نقل گفتار می پرداختند. خبر فعالیت های اسلامی در منزل ماریه، به ابن زیاد رسید و این ملعون به عاملینش دستور داد مانع فعالیت هایی اسلامی در منزل ماریه شوند؛ هنگامی که پیام و نامه امام حسین(ع) به بزرگان بصره توسط (سلیمان، غلام آن حضرت) به آنان ابلاغ شد، یکی از افرادی که به آن پیام، پاسخ مثبت داد "یزید بن نبیط بصری" بود. "یزید بن نبیط بصری" برای کسب اطلاعات بیشتر از ماجرا به خانه ماریه رفت. یزید بن نبیط از قبیله عبدالقیس بود و ۱۰ پسر رشید و شجاع داشت، وی در خانه ماریه به فرزنداناش اعلام کرد که تصمیم گرفته از بصره به سمت مکه برود و به امام حسین(ع) پیوندد.





# طوعه

- "طوعه" نخستین زن عاشورایی است که قبل از قیام کربلا وفاداری خود را به اباعبدالله الحسین(ع) نشان داد، زمانی که کوفیان بی وفایی خود را به نماینده امام حسین(ع) نشان دادند و او را تنها گذاشتند، بانویی با ایمان و شجاع به نام "طوعه" صداقت و وفای خود را به نمایش گذاشت و به مسلم پناه داد، بدون آنکه ترسی به دل راه دهد. با جوّ ارباب و موج خشونت آمیزی که ابن زیاد به راه انداخته بود، مردان و زنان از همراهی با مسلم کناره گیری کردند تا جایی که زنان به سراغ همسران، فرزندان و برادران خود می رفتند و آنها را از همراهی با نهضت باز می داشتند؛ با این بهانه که دیگران این کار را انجام خواهند داد، مردان نیز به سراغ فرزندان و برادران خود می رفتند و آنان را از لشکر شام می ترساندند و با خود می بردند. اوضاع به گونه ای شد که از آن جمعیت انبوه در نماز مغرب، تنها ۳۰ نفر باقی مانده بودند. مسلم از مسجد که بیرون آمد، همین تعداد اندک هم پراکنده شدند، مسلم بن عقیل در کوچه های کوفه راه می پیمود تا به در خانه زنی به نام "طوعه" رسید که منتظر فرزند خویش بود. مسلم بن عقیل از "طوعه" در خواست آب کرد و این بانو برای مسلم آب آورد و مسلم نوشید و همان جا نشست. طوعه به خانه رفت و برگشته به مسلم گفت: مگر آب نیاشامیدی؟ برخیز و به خانه ات برو. مسلم جواب نداد. "طوعه" دوباره تکرار کرد. اما باز هم پاسخی نشنید. آن گاه گفت: سبحان الله، ای بنده خدا برخیز به سوی اهل خود برو! چرا که بودن تو در این وقت شب بر در خانه ی من شایسته نیست و من نیز از بودن تو در این جا راضی نیستم. مسلم سخن گفت و "طوعه" وقتی فهمید او نماینده امام حسین (ع) است به او پناه داد. مسلم در خانه "طوعه" بود، پسر "طوعه" وقتی به خانه برگشت و متوجه حضور مسلم شد و تهدیدهای ابن زیاد و جایزه ی عبیدالله برای دستگیری مسلم را برای مادرش بیان کرد؛ "طوعه" احساس کرد ممکن است پسرش خبر مسلم را به عبیدالله بدهد، او را سوگند داد که این راز را مخفی دارد اما پسرش به طمع جایزه این خبر را به ابن زیاد رساند. صبح روز بعد، زمانی که صدای شیهه اسبان به گوش مسلم رسید، دعای خود را با عجله تمام کرد و سلاح پوشیده رو به "طوعه" کرد و گفت: ای طوعه! آنچه بر تو بود، انجام دادی و از شفاعت حضرت رسول (ص) نصیب یافتی. من دیشب در خواب عموم امیرمؤمنان (ع) را دیدم که فرمود: فردا پیش من خواهی بود.



# دَلْهَمُ هَمْسَرِ زُهَيْرِ بْنِ قَيْنٍ بَجَلَى

• از زنان دیگری که جزء خاندان حضرت امام حسین علیه السلام نبودند ولی از خود عظمت به یادگار گذاشتند، همسر زهیر ابن قین بجلای است که عامل اصلی انقلاب احوال و نجات زهیر از اعماق جهنم و رساندن او به عالی ترین درجات بهشت می شود. زهیر، عثمانی بود. عثمانی ها معتقد بودند خون عثمان بر گردن حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام است و به همین دلیل دشمن حضرت بودند. یعنی نه تنها به اهل بیت علیهم السلام معرفت نداشتند، دشمن هم بودند. زهیر عثمانی با آن برخورد حساب شده و تحول سازی که همسرش با او داشت از این رو به آن رو شد. زهیر نمی خواست با حضرت امام حسین علیه السلام مواجه شود و بنایش بر این بود که هر جا به ضرورت با حضرت امام حسین علیه السلام همراه شد، جایی که امام توقف می کرد، او حرکت می کرد که آنجا نباشد و تلاش می کرد تا با امام روبه رو نشود. اما وقتی قاصد آمد و سلام امام علیه السلام را رساند و گفت امام می خواهند تو را ببینند، خشکش زد و قصد نداشت برود! همسرش گفت «سبحان الله! پسر دختر پیامبر تو را می طلبد و تو نمی روی؟». چنان این را محکم گفت که زهیر شرمند شد و در حقیقت در رودربایستی قرار گرفت. با این حرکت همسر تصمیم گرفت نزد امام علیه السلام برود. ما نمی دانیم چه بین او و امام رد و بدل شده است. وقتی برگشت، دیدند متحول شده و شاد و مسرور بود و گفت «من راه خودم را پیدا کرده ام.»

درباره ی همسر زهیر ابن قین دو نقل است: یکی اینکه همسر زهیر در کربلا هم بود و از اسرا و حتی شاهدان فاجعه کربلاست. اما نقل مشهور این است که زهیر، همسرش را با کسانی که همراه او بود به کوفه بازگرداند و موقعی که می خواستند جدا شوند همسر با چشمان گریان گفت «تو در رکاب پسر پیامبر به شهادت نائل می شوی. در روز قیامت من را فراموش نکن» و درست هم می گفت چون او عامل این تحول شده بود .



# بانوان همراه کاروان عاشورا



حضرت زینب کبری (س)؛ ام کلثوم صغری (ع) همسر مسلم بن عقیل و دختر  
امام علی (ع)؛ فاطمه (س) دختر امام علی (ع)؛ سکینه (س) دختر امام حسین  
(ع)؛ رقیه (س) دختر امام حسین (ع)؛ فاطمه دختر امام حسن (ع) و همسر امام  
سجاد (ع)؛ زینب صغری (س) دختر حضرت امیرالمومنین (ع)؛ رباب (س)  
همسر امام حسین (ع)؛ عاتکه همسر امام حسین (ع)؛ کُبشه؛ فُکَہیہ؛ رَمَله  
همسر امام حسن (ع) و مادر حضرت قاسم؛ حمیده دختر مسلم بن عقیل؛ فضہ  
النوبیہ؛ شہربانو؛ لیلی التمیمیہ.





# حضرت زینب(س)

نقش آفرین اصلی نهضت عاشورا حضرت زینب (س) است.

ایشان در پنجم جمادی الاولی در مدینه به دنیا آمد. حضرت زینب القاب پر معنا و پر مفهوم زیادی دارند؛ عقيله بنی هاشم، زینب کبری، صدیقه صغری، عالمه غیر معلمه و ... از این جمله اند. زینب کبری در سال هفدهم هجری قمری با پسر عموی خود عبدالله بن جعفر ازدواج کرد. این ازدواج بر اساس اشاره پیامبر خدا بود زیرا آن حضرت فرموده بودند «دختران ما برای پسران شما برای دختران ماست». ثمره این ازدواج پنج فرزند به نام های جعفر، محمد، عون، علی و ام کلثوم بود که دو تن از فرزندان حضرت (عون و محمد) در رکاب امام حسین (ع) به شهادت رسیدند. حضرت زینب (س) فضایل بسیاری دارد. برخی القاب ایشان گویای فضایل بی شمار این بانوی بزرگ است، فضایلی همچون علم، عصمت و عفت. او همانند مادرش زهرا (س) بود. امام سجاد (ع) در فضایل عقيله بنی هاشم می فرمایند «عمه جان شما به حمدالله عالمه ای هستی بدون اینکه معلمی داشته باشی و فهمیده ای هستی بدون اینکه کسی مطالبی را به شما یاد داده باشد». زینب (س) زنی شجاع، صبور و مجسمه تقوا بود، در مقابل امواج خروشان و سختی ها نیز مقاوم بود لذا به ام المصائب لقب یافت. ایشان بر اساس شرطی که در ضمن عقد کرده بودند در کربلا همراه برادرش حاضر شد. عصر عاشورا نه تنها از امام سجاد پرستاری می کرد بلکه جمعی از زنان و کودکان داغدار گرسنه، مجروح و کتک خورده را که شدیداً به سرپرستی و نوازش های عاطفی نیاز داشتند تحت حمایت معنوی خود قرار داده بود.





# سکینه (س)، دختر امام حسین (ع)

سکینه (س) دختر حسین بن علی بن ابیطالب (ع) و مادرش رباب دختر امری القیس بن عدی بن اوس بن جابر است. نامش را امینه و امیمه و آمنه ذکر کرده‌اند و به سکینه (س) مشهور است. سکینه (س) همراه همسرش عبدالله بن حسن (ع) (پسر عمویش) در کربلا حاضر بود. شوهرش در رکاب امام (ع) به شهادت رسید. سکینه (س) هم به همراه کاروان عاشورا به کوفه و دمشق برده شد و پس از آن راهی مدینه شد. پس از آن سکینه (س) با مصعب بن زبیر ازدواج کرد و رباب به دنیا آمد. بعد از مصعب، عبدالله بن عثمان بن عبدالله بن خویلد همسر زینب شد و حکیم و عثمان به دنیا آمدند. سپس سکینه (س) به نکاح زید بن عمرو بن عثمان بن عفان در آمد. سکینه (س) بانویی فصیح و بلیغ بود و از بهترین شاعران زمان خویش به شمار می‌آمد و مقامی رفیع داشت و کسی جرأت توهین به او را نداشت. عمر رضا کحاله می‌نویسد: «دختر عثمان بن عفان در برابر سکینه (س) گفت: «من دختر شهید هستم.» سکینه (س) سکوت کرد. ناگاه مؤذن گفت: «اشهد ان محمداً رسول الله (ص).» سکینه (س) گفت: «این پدر من است یا تو؟» آن زن گفت: «هرگز به شما فخر نخواهم فروخت.

طبق گفته‌ی اکثر مورخان سکینه (س) در ۵ ربیع الاول سال ۱۱۷ (ه.ق) در مدینه در زمان خلافت خالد بن عبدالملک رحلت فرمود. خالد اجازه تدفین او را نداد و چون خود می‌خواست نماز میت را بخواند، گرمای هوا را بهانه کرد. مردم تا شب منتظر شدند. سرانجام به منازلشان رفتند و اطراف جنازه عود و عطر پخش کردند. فردای آن روز والی اجازه داد و نماز برپا شد و در مدینه‌ی جدش رسول الله (ص) دفن شد. لازم به ذکر است مقبره‌ای که در دمشق به حضرت سکینه (س) منسوب است، در حقیقت متعلق به سکینه دیگری است و روی آن نوشته شده: سکینه بنت الملک.



# رباب، همسر امام حسین (ع)

رباب دختر امروی القیس بن عدی بن اوس بن ... کلب و مادرش میسور دختر عمرو بن ثعلبه بن حصین بن صصم است. پدر رباب در زمان خلافت عمر نزد وی آمد و اسلام آورد. پیش از آن نصرانی بود. امری القیس در همان روز اول مسلمانی، امیر مسلمانان قبیله قضاعه شد و بعد از افتخار مسلمانی، افتخار دیگری به دست آورد و از ۳ دختری که در خانه داشت یکی را به علی بن ابیطالب (ع)، دیگری را به حسن بن علی (ع) و کوچک‌تر از همه را که رباب باشد به امام حسین (ع) تزویج کرد و پدر زن این سه امام بزرگوار شد. سکینه و عبدالله حاصل ازدواج رباب و امام حسین (ع) بودند. در حادثه کربلا این بانوی شرافتمند شاهد و شریک همه‌ی مصیبت‌ها و رنج‌های وارد شده بر حسین (ع) و خاندان و حرمش بود و همه را تحمل کرد. رباب نظاره‌گر شهادت کودک شیرخوارهای علی‌اصغر (ع) و شهادت همسر و سالار و امامش اباعبدالله الحسین (ع) بود. بعد از آن رنج و مشقت اسارت را تحمل کرد تا به مدینه بازگشت. در مدینه شبانه روز در شهادت امام حسین (ع) گریه می‌کرد و در سوگ آن حضرت اشعاری سرود.

در مجلس ابن زیاد هنگامی که سر مقدس امام (ع) را پیش ابن زیاد نهادند. رباب از میان زنان برخاست. سر را برداشت، بوسید و در دامن گذاشت و گفت: واحسینا! من هرگز فراموش نمی‌کنم و نخواهم کرد که لشکر کفر با نیزه‌ها با پیکر حسین (ع) چه کردند و از یاد نمی‌برم که جنازه‌اش را در کربلا روی خاک رها کرده و دفن نکردند، او را تشنه کشتند. خداوند هیچ‌وقت کربلا را سیراب نسازد



# رقیه (س)، دختر امام حسین (ع)

بر اساس گزارشات امام حسین (ع) شش پسر و دختر داشته‌اند که دختران عبارت‌اند از سکینه (س) ( دختر رباب، فاطمه دختر ام اسحاق و زینب خواهر فاطمه. در بیشتر منابع نام این سه دختر آورده شده و از رقیه کمتر نامی دیده می‌شود. احتمال دارد رقیه نام دیگر زینب باشد. این که از رقیه نقش مؤثر و فعالی در کربلا گزارش نشده به نظر می‌رسد به سبب کودکی او باشد؛ زیرا او در سال ۵۷ (ه.ق) در مدینه زاده شده بود. دختر سه، چهارساله ابا عبدالله (ع) که در سفر کربلا همراه کاروان بود، در مکانی کنار باب الفردیس شام که در آن زمان خرابه‌ای بود، استقرار یافت. شبی پدر را به خواب دید و پس از بیدار شدن بسیار گریست و پدر را خواست. به دستور یزید سر امام حسین (ع) را نزد آن کودک بردند. او از آن منظره بیشتر ناراحت و رنجور شد. پس از چند روز بر اثر غم و اندوه فراوان در خرابه شام جان سپرد. پیکر کوچک او را در مقبره‌ای عمومی به نام «باب الفردیس» به خاک سپردند.



## فاطمه (س)، دختر امام حسن (ع)، ام عبدالله، همسر امام سجاد (ع) و مادر امام محمدباقر (ع)

فاطمه (س) دختر امام حسن بن علی (ع) و همسر امام علی بن الحسین (ع) و مادر امام محمد باقر و برادرانش حسن و حسین و عبدالله هستند. کنیه او ام عبدالله و مادرش ام ولد بوده است. این بانو به همراه شوهر و فرزند خود در کربلا بود.

محلاتی می نویسد: «چه گذشت به این مخدره که از یک سو شوهر بیمار خود را (امام زین العابدین (ع)) در زیر غل و زنجیر بالای شتر بنگرد و طفل چهارساله خود را (امام محمد باقر (ع)) گرسنه و تشنه ببیند و خودش محتاج خرجه ای باشد که خود را از نامحرمان بپوشاند و از سوی دیگر سرهای خویشاوندان خود را به نیزه بنگرد. امام صادق (ع) درباره اش فرمود: «بانویی راست گو و درست کار بود. زنی هم پایه او در خاندان امام حسن (ع) نبوده است»





# عاتکه

عاتکه دختر زید بن عمرو بن نفیل از شاعره‌های عرب که زنی عاقله، با کمال و زیبا بود. عبدالله بن ابی‌بکر بن ابی قحافه و به قول ابن عبدربه در استیعاب، زید بن خطاب او را به ازدواج خود در آورد. اما زید در روز یمامه کشته شد. سپس با عمر ازدواج کرد. طولی نکشید که عمر نیز مقتول شد. پس از آن زبیر بن عوام او را تزویج کرد. او هم مقتول شد. پس از آن امیرالمؤمنین او را خواستگاری کرد. عاتکه برای آن حضرت پیغام فرستاد که ای پسر عم رسول خدا (ص) بر شما از قتل خائفم. حضرت امیر (ع) فرمود: «کسی که شهادت رادوست بدارد حاضراست با عاتکه ازدواج کند.» این وقت حضرت سیدالشهدا او را تزویج کرد. عاتکه پس از شهادت آن حضرت دیگر شوهری اختیار نکرده است.



# لیلی التمیمیه

لیلی دختر مسعود بن خالد بن ربیع بن مسلم بن جندل بن نهشل بن دارم تمیمی است. مادرش عمیره بنت قیس بن عاصم بن سنان بن خالد بن منقر است. لیلی مادر فرزندان امیرالمؤمنین، عبدالله و ابوبکر است که در واقعه کربلا همراه دو پسرش در کنار امام (ع) حضور داشته است. لیلی یکی از چهار همسر امام علی (ع) است که پس از شهادت آن حضرت زنده بود محلاتی می نویسد که در مورد حضور لیلی در کربلا دلیل تاریخی ندیدم.

دیگر بانوان ارجمند که احتمال داده می شود در کربلا حضور داشته باشند: میمونه دختر امیرالمؤمنین همسر عبدالله اکبر بن عقیل، خدیجه یا ام هانی دختر امیرالمؤمنین همسر عبدالرحمن بن عقیل، زینب صغری همسر محمد بن عقیل، ام الحسن همسر جعفر بن عقیل، لیلی بانوی حرم امیرالمؤمنین (ع).



# فضه النوبیه

فضه خدمت‌کار حضرت زهرا (س)، دختر گرامی رسول خدا (ص) است. فضه با ابی ثعلبه حبشی ازدواج کرد و پسری به دنیا آورد. بعد از ابو ثعلبه با ابوملیک عطا ازدواج کرد. فضه از نظر ایمان و تقوا و زهد در درجه‌ی عالی قرار داشت و محبتش به اهل بیت (ع) معروف و مشهور است. بلاغت کلام و نیکویی کلامش بر کسی پوشیده نیست. نقش او فقط کمک در کار منزل نبود بلکه شاگرد فاطمه (س) و پیوسته ملازم آن حضرت بود. فضه آن قدر با قرآن مأنوس بود که فقط با آیات قرآن تکلم می‌کرد. داستان برخورد فضه با آن مرد بیابان‌گرد در بحارالانوار جلد ۸ آمده است.

زینب بنت فواز می‌گوید: فضه از بانوان عاقله صادق بود. بعد از شهادت حضرت فاطمه در خدمتگزاری حضرت زینب (س) تلاش کرد و به همراه آن بانو به سرزمین کربلا رفت و در محنت‌های اهل بیت شریک بود. وی پس از بازگشت به مدینه، به احتمال زیاد دوباره همراه حضرت زینب (س) به شام برگشت و پس از وفات در باب الصغیر (سوریه کنونی) دفن شد.



# فکیهه

زوجهی عبدالله بن اریقظ بود. فکیهه در خانهٔ رباب همسر امام حسین (ع) خدمت می‌کرد و از عبدالله پسری آورد به نام قارب که در کربلا شهید شد. فکیهه هم به همراه رباب به سلک اسیران به شام رفت.





# کبشه

کبشه که کنیه‌اش ام سلیمان است، کنیز یا خدمتکار امام حسین (ع) بود که امام او را به هزار درهم خرید و او را در خانه‌ی ام اسحاق تیمیه – مادر فاطمه‌ی صغری (ع) سکنی داد. پس از ازدواج با ابو رزین سلیمان را به دنیا آورد. سلیمان غلام امام (ع) بود و پدرش نیز از اصحاب امام حسن (ع) بوده است. سلیمان پسر کبشه پیک امام حسین (ع) به سوی رؤسا و اشراف بصره بود که عبیدالله بن زیاد دستور داد گردنش را بزنند. سلیمان همان غلام امام حسین (ع) است که در زیارت ناحیه نامش آمده است. ام سلیمان زنی عالم، فاضل و نیکوکار بود. همراه مولایش حسین (ع) راهی کربلا شد. وی شاهد همه مصایب وارد بر خاندان رسول خدا (ص) بود و همه را در راه خدا تحمل کرد.



# شهربانو، مادر محمد بن ابی سعید

در روز عاشورا طفلی از سراپرده بیرون آمد. دو گوشواره از مروارید در گوش داشت. از وحشت و حیرت به جانب چپ و راست نگاه می کرد. چنان از آن واقعه هولناک در بیم و اضطراب بود که گوشواره هایش از لرزش سر و تن او لرزان بود. در این حال به ناگاه هانی بن ثبیت بر او حمله کرد و او را با شمشیر قطعه قطعه کرد. در وقت شهادت آن طفل شهربانو ایستاده و مدهوشانه نظر می کرد و یارای سخن گفتن و حرکت کردن نداشت. آن طفل محمد بن ابی سعید بود.



# زینب صغری (س)، دختر امیرالمؤمنین (ع) و همسر محمد بن عقیل

بر اساس گفته زبیر بن بکار، زینب صغری به ازدواج محمد بن عقیل در آمد. محلاتی می نویسد: «ظاهراً این همان زینب مدفون در شام است که به نام زینب کبری شهرت پیدا کرده است. چون روی سنگ قبر شریفش زینب صغری است و ظاهراً با محمد بن عقیل در زمین کربلا بود. پس از شهادت محمد بن عقیل با اهل بیت به شام رفته و رنج اسیری کشیده است. پس از مراجعت به مدینه، فراس بن جعد بن هبیره المخزومی او را به نکاح خود درآورد. جعد بن هبیره پسر خواهر امیرالمؤمنین (ع) است که مادرش ام هانی دختر حضرت ابوطالب است.» لیکن محلاتی در جای دیگر ذیل نام ام الحسن (ع) دختر امیرالمؤمنین (ع) می نویسد: «ام الحسن نام یکی از دختران حضرت علی (ع) است. مادر او ام سعید دختر عروهب بن مسعود ثقفی است. این ام الحسن را به نکاح جعد بن ابی هبیره بن ابی وهب مخزومی در آورد و این جعد پسر ام هانی خواهر امیرالمؤمنین (ع) است. بعد از او جعفر بن عقیل او را به نکاح خود درآورد. آمدنش به سرزمین کربلا نامعلوم است



# حسنيه

امام حسين (ع) حسنيه را از نوفل بن حارث بن عبدالمطلب خريده و او را به مردى كه سهم نام داشت تزويج كرد. حاصل اين ازدواج منجح بود. حسنيه در خانه‌ى امام زين العابدين (ع) خدمت مى‌كرد تا اين كه با پسرش منجح به همراه حضرت سيدالشهدا (ع) به كربلا آمد. منجح در كربلا به شهادت رسيد و مادرش با اهل بيت (ع) در مصائب سهيم و شريك بود.





# رمله، همسر امام حسن (ع) و مادر حضرت قاسم بن حسن (ع) و ابوبکر بن حسن (ع)

محلاتی می‌نویسد: «رمله مادر قاسم بن حسن (ع)، از بانوان دشت کربلا است. مجلسی می‌نویسد قاسم فرزند رمله در جنگی دلاورانه به شهادت رسید. این سخن از قاسم است که در شب عاشورا گفت: «مرگ برای من شیرین‌تر از عسل است.» در حالی که در روز عاشورا به سن بلوغ نرسیده بود. ابوبکر برادر دیگر قاسم نیز در کربلا به شهادت رسید.



**بانوانی که در بین راه مدینه تا کربلا به  
کاروان امام حسین پیوستند:**



امّ وهب همسر عبدالله بن عُمير كلبی؛ امّ خلف همسر مسلم بن  
عوسجه؛ امّ عمرو جناده انصاری؛ رويحه همسر هانی بن عروه.



# ام وهب

ام وهب دختر عبد» از قبیله نمر بن قاسط، از زنان نادر و شجاعی بود که ضمن وفاداری به همسر خویش عبدالله بن وهب، شیفته امام حسین(ع) و از شیعیان خالص آن حضرت نیز به شمار می‌رفت. شخصیت‌هایی نظیر این زن، نه تنها در تاریخ جهان، بلکه در تاریخ اسلام و شیعه که زنان فداکاری را در خود دیده، نادر و اندک است. نقل شده است، چون در روز عاشورا عبدالله به میدان رفت، ام وهب نیز عمودی برداشت و به سوی همسر خویش رفت تا در کنار او بجنگد. عبدالله با مشاهده «ام وهب» در میدان جنگ، به کنار او آمد و از او خواست تا به سوی زنان کاروان بازگردد و کار جنگ را به مردان بسپارد. ام وهب در این حال جامه شوهر خویش را گرفت و به او گفت: «تو را رها نمی‌کنم تا آنکه در کنار تو و همراه تو بمیرم. امام حسین(ع) که شاهد این همه عشق و علاقه بود به همسر عبدالله خطاب کرد: «ای ام وهب، از خداوند پاداش خیر به تو رسد، به سوی زنان باز گرد و در کنار آنان بنشین که جهاد بر زنان واجب نیست.» ام وهب چون این سخن را از امام حسین(ع) شنید، ناگزیر بازگشت. او پس از بازگشت همچنان ناظر شجاعت و رشادت همسرش عبدالله بود. بعد از شهادت شوهرش، با شتاب به کنار جنازه او رفت و خطاب به عبدالله گفت: «همسر، بهشت بر تو گوارا باد.» چون مشاهده شجاعت و دلیری و عشق ام وهب به امام حسین(ع) و راه همسرش ممکن بود برخی از کوفیان سپاه ابن زیاد را دگرگون کند، بنابراین شمر بی‌درنگ به رستم، غلام خویش دستور داد تا عمودی بر سر ام وهب بکوبد و او را به شهادت برساند. رستم چنین کرد و بدین‌سان همسر عبدالله نیز کمی پس از شهادت شوهر، به شهادت رسید.





# اُمّ عَمْرُو

نامش، «بحریه»، دختر مسعود خزر جی و همسر جناده بن کعب انصاری است. جناده از شیعیان مخلص علی علیه السلام بود که از مکه با خانواده خود همراه حسین علیه السلام گردید و هرگز از آن حضرت جدا نشد.

پس از شهادت جناده، همسر او، فرزندش، «عمرو» را روانه میدان کرد. امام حسین علیه السلام مانع شد، ولی عمرو گفت: «مادرم مرا امر به قتال کرد.» سرانجام به میدان رفت و در رکاب حسین علیه السلام به شهادت رسید. کوفیان سر او را به طرف مادر انداختند. مادر سر جوان خود را برداشت و به سینه چسبانید و پس از گفت و گویی با آن، سر را به سوی دشمن پرتاب کرد و عمود خیمه را برداشت و به دشمن حمله کرد. امام، او را برگرداند و در حقش دعا کرد.



# ام خلف

همسر مسلم بن عوسجه و یکی از زنان برجسته شیعه که در کربلا حضور داشت. او پس از شهادت همسرش در روز عاشورا، پسرش را نیز روانه میدان کرد تا به یاری امام حسین(ع) بشتابد. سرانجام این جوان با ایمان، جانش را در راه دفاع از دین خدا تقدیم نمود. کوفیان سرش را بریدند و برای ام خلف فرستادند. آن زن شجاع و وارسته، سر فرزند جوان خویش را در برگرفت و بوسید و اشک بر گونه هایش روان شد. ام خلف پس از شهادت همسر و فرزندش به اسارت درآمد تا نامش در تاریخ به عنوان همسری شجاع و مادری فداکار ثبت گردد.



# ویژگی های زن عاشورایی



## انسان ساز و جامعه ساز

✓ زن عاشورایی با پیروی از زینب علیهاالسلام ، باید انسان ساز و جامعه ساز باشد.  
زینبی که با خطبه های آتشین خود، افزون بر رسوا کردن حکومت بنی امیه، افکار  
عمومی را روشن کرد و جرقه نهضت های بعدی همچون قیام توابین را زد.

✓ او نمونه والای یک همسر و یک خواهر است. در خانه، مسئول تربیت فرزندان و در  
جامعه، مسئول سرنوشت مردم. بذر اندیشه اسلامی و انقلاب برادرش، حسین علیه  
السلام از دامن او پراکنده شد، رویید و به بالندگی رسید.



# پویا و مشارکت در عرصه های اجتماعی

✓ زن الهام گرفته از عاشورا، در تمامی عرصه های علمی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی حضوری فعال و پویا دارد. همچون زینب کبرا علیهاالسلام که عالمه مدینه و پاسخ گوی پرسش های دینی زنان بود. به گواه تاریخ، خانه وی در مدینه، محل مراجعه یتیمان و نیازمندان بود و خودش در سرنوشت سازترین فرازهای تاریخ اسلام حضوری سربلند و کارآمد داشت.

✓ از حضور زنان در عاشورا درمی یابیم که زن می تواند در پیچیده ترین صحنه های اجتماعی، حضوری جدی و سازنده داشته باشد.





## عزت طلب

➤ فریاد آزادی خواهی و عزت طلبی زن سربلند و تربیت یافته در مکتب عاشورا، پایه های حکومت طاغوت را می لرزاند و ترسی دهشتناک در جان انسان های خودکامه می اندازد. فریاد عزت طلبی زن تربیت یافته در مکتب عاشورا، پرده رسوایی ستمگران را کنار می زند و بساط ستم را درهم می چیند.



## پرورش دهنده شهید

□ زن عاشورایی، دختر شهید، مادر شهید، خواهر شهید و عمه شهید است. زینب علیهاالسلام، فرزند نوجوان خود را در اوج احساسات و عواطف مادرانه، راهی جنگی می کند و یقین دارد بازگشتی در آن نیست. او معتقد است که در مبارزات سیاسی باید فعالانه شرکت کرد و آنجا که اسلام در خطر است، باید از فرزند و شوهر، برادر و احساسات زنانه دست کشید.



## باحجاب

□ زن در مکتب عاشورا، در عین حضور در عرصه های مختلف، پاک  
دامنی خود را با سلاح عزت و شجاعت حفظ می کند. از دشمن  
هیچ نمی خواهد جز اینکه آنها را در معرض دید مردم قرار ندهد  
و حجاب آنها را ندرد



## بندگی خدا

❖ در دیانت زن عاشورایی همین بس که شب ها را به عبادت می  
گذرانند و روزها را روزه می گیرد و در فردای عاشورا، نماز شب  
خود را نشسته می خواند.



## بردبار

✓ تاریخ، صبورتر از زن عاشورایی ندیده است. زنی که در یک نیم روز، برادرانش، پسرانش و... به شهادت برسند و او بردباری پیشه کند. زینب کبرا علیهاالسلام، گنجینه دار رنج است و وارث بیت الاحزان فاطمه علیهاالسلام. صبر او در آن فاجعه انسانی، سرمشقی است برای تمامی زنان جهان. آن هنگام که در کنار جسد برادر با حفظ تعادل و ثبات روحی از خداوند خواست این قربانی کم را از او بپذیرد، اوج بردباری او بود.





## مهربان و باصلابت

✓ زن عاشورایی هنگام دلداری اسیران داغ دار، مظهر عطوفت و دریای مهربانی است و آن هنگام که قرار است طبل رسوایی یزید را در کوفه و شام به صدا در آورد، مردانه تر از تمام مردان جهان، خطبه ای توفنده می خواند.



## جسارت در برابر باطل

✓ زن عاشورایی با سرمشق قرار دادن زینبی که بی محابا به مجلس یزید پا می گذارد، شجاعانه می ایستد و صریح و بلیغ سخن می گوید. رسواکننده سرکشان و افشا کننده ماهیت دشمنان است. صلابت بی نظیر وی در صفحات تاریخ، همه اندیشمندان را متحیر می سازد



# مدیریت پویا و غیر احساسی در شرایط بحرانی

✓ زن عاشورایی، مدیریت بحران را خوب بلد است؛ زیرا تربیت یافته مکتبی است که در آن، زینب علیهاالسلام، کاروان مجروح و داغ دیده اسیران را با قدرت روحی بالا سرپرستی کرده و هم درد آنان است.

✓ وی حامی امام حاضر است. نماد زنی شجاع، مدبر و شایسته که به ظاهر اسیر و دست به زنجیر و در واقع، آزاد و آزاده ای شجاع و مدبر است. زن عاشورایی تربیت یافته در مکتب زینب علیهاالسلام نیز در دوران معاصر در هشت سال جنگ، همچون کوهی استوار، جای خالی همسر شهیدش را برای فرزندان پر می کند و سرپرست خانواده می شود و به خوبی از عهده تمامی مسئولیت های سنگین زندگی برمی آید



## ادامه دهنده حماسه و حماسه آفرین

✓ حسین، حماسه کربلا را آفرید و زن عاشورایی از غروب عاشورا تا آخرالزمان، پیام آور این حادثه بزرگ انسانی و حماسه سازی دوباره است. حماسه ای که در آن، رهبری نهضت خونین برادر در سرزمین بیگانه، جنگ تبلیغی با تحریف گران پیام های عاشورا، دل جویی از کودکان و زنان داغ دیده، مقابله با بی رحم ترین دژخیمان زمان، تحمل سختی و اسارت عزیزان و گرسنگی و خستگی طاقت فرسا در آن موج می زند



## مبلّغ دین و پاسدار ارزش های اسلامی

✓ زن عاشورایی، زن تربیت یافته ای است که حامل و مبلّغ دین و ارزش های دینی است. وی نه تنها فرهنگ دینی را خوب می شناسد، بلکه زبان گویای آن است. وی ترویج دین را از خانواده اش آغاز می کند و فرزندانی پرورش می دهد که عاشقانه در راه پاسداری از ارزش های دین جانبازی می کنند





# زن امروز

- ✓ زن امروز مشتاقانه به دنبال الگویی است که فراگیر باشد.
- ✓ زن عاشورا الگویی است برای انسان امروز که به کشف افق های بسیار متنوع، از هزار توی هستی دست یافته است.
- ✓ زن امروز باید به گونه ای تربیت شود که برای رویارویی با بحران هایی همچون جنگ یا بحران های فرهنگی یا اقتصادی، دانش، قدرت تحلیل، تطبیق، مدیریت و بردباری لازم را داشته باشد.
- ✓ زن امروز باید تربیت شود هم برای خانه و خانواده و هم برای مشارکت اجتماعی فعال و سازنده؛ هم برای دوران صلح و هم برای دوران جنگ؛ هم برای شرایط محاصره اقتصادی و هم برای توسعه پایدار؛ هم برای تربیت کودکان و هم برای حضور جدی در معرکه رقابت های علمی، فرهنگی، فن آوری و نیز حضور آگاهانه و مقتدرانه در فرآیند «جهانی شدن».
- ✓ زن امروز به پیروی از سفیر کربلا آن گاه که می خواهد مقاصد سیاسی اجتماعی خود را مطرح سازد، باید صداقت پیشه کند و روی سخنش با مردم باشد و مردم را متوجه مسئولیتشان در برابر کردارشان بسازد.
- ✓ زن امروز باید در مسیر تسلیم و رضای الهی گام بردارد و در سخت ترین مصیبت ها جز زیبایی نبیند که این، آخرین منزل سالکان الی الله است.
- ✓ زن امروز با الگوگیری از زنان عاشورایی، موظف است در اصلی ترین هسته اجتماع؛ یعنی خانواده، بستری مناسب برای رشد و بالندگی همسر و فرزندان فراهم آورد.



- - تاریخ طبری: طبری (۵جلدی)
- - کنز العمال: متقی هندی
- - مقتل الحسين عليه السلام: سيد عبدالرزاق المقرم
- - الخصائص الحسينيه: شيخ جعفر شوشتری
- - لهوف سيد بن طاووس با ترجمه سيد احمد فهري
- - حماسه حسيني: استاد شهيد مرتضي مطهري
- - آينه داران آفتاب: دكتر محمدرضا سنگري
- - فرهنگ عاشورا: جواد محدثي
- - نگاهی کوتاه به زندگی زينب كبرى (س): سيد هاشم محلاتي
- - چهره زن در آيينه اسلام و قرآن: مرتضي فهميم کرمانی
- - حماسه سازان عاشورا: مصطفی اسرا

